

ایران، جامعه اطلاعاتی و چشم اندازهای آینده

اسماعیل یزدانیپور

در ادامه مباحث پیرامون ایران و جامعه اطلاعاتی، جمعی از فعالان و صاحب نظران این عرصه را که در اجلاس ژنو هم شرکت کرده بودند، دعوت کردیم تا هم گزارش و تحلیل ایشان را از اجلاس پیشین بشنویم و هم طرح‌ها و چشم اندازهای شرکت در اجلاس آینده سران درباره جامعه اطلاعاتی (تونس ۲۰۰۵) را بررسی و مرور کنیم. این جلسه در محضر استادان و کارشناسان گرامی آقایان دکتر معتمدزاد، دکتر یحیی تابش، دکتر یونس سُکرخواه، دکتر حسن نمک دوست، حسین ابراهیم آبادی و اسماعیل خلیلی در محل مرکز پژوهش‌های ارتباطات برگزار شد. یکی از ویژگی‌های خاص این جلسه، حضور صاحب نظران رشته‌های مختلف است که هر یک از منظر خود بحث را پیش بردند و در نهایت تصویر چند بُعدی، جامع و کاملی از وضعیت و نسبت ایران با جامعه اطلاعاتی ترسیم کردند. در اینجا، با اعلام آمادگی نشریه رسانه برای درج نظرات دیگر صاحب نظران و کارشناسان محترم پیرامون این موضوع بخش اول این نشست تقدیم خوانندگان می‌شود.



دشواری‌های استقلال و تکثر مطبوعات

مطبوعات کشورمان با قدمتی بیش از ۱۶۵ سال، هنوز در چنبره مسائل و مشکلات زیادی به سر می‌برد. برخی از این مشکلات که در بدو امر خود را بیشتر آشکار می‌سازد، سیاسی است. اما برخی دیگر که از لحاظ اصولی کمتر از مشکلات سیاسی نیست، مشکلات حرفه‌ای و به‌ویژه اقتصادی است. درباره مسائل و مشکلات سیاسی طی سال‌های گذشته سخنرانی‌های زیادی ایراد و مقالات و کتاب‌های متعددی نوشته و منتشر شده است. اما مسائل و مشکلات اقتصادی و حتی حرفه‌ای که کمتر از مسائل سیاسی نیست درباره آن مطالب چندانی منتشر نشده است. در ذیل به چند مورد از آنها به عنوان طرح مسأله اشاره می‌شود. امید است با توجه و تجدیدنظر درباره آنها از سوی مقامات مسئول، گشایشی در راه رسیدن به استقلال و تکثر مطبوعات پدید آید. در نگاه اجمالی عمده‌ترین و مهم‌ترین مسائل و مشکلات مطبوعات کشور در راه رسیدن به تکثر و استقلال را می‌توان به شرح زیر برشمرد:

۱. مشخص نبودن، شان، جایگاه و موقعیت مطبوعات نزد مقامات و دستگاه‌های مختلف را می‌توان مهم‌ترین مسأله مطبوعات کشورمان دانست. این مسأله هرچند در ابتدا سیاسی می‌نماید اما اثرات اقتصادی و حرفه‌ای مخربی دارد. در شرایط کنونی جایگاه و موقعیت مطبوعات در دستیابی به اهداف توسعه ملی و همه جانبه در کشورمان مشخص نیست. برخی از مقامات و دستگاه‌ها معتقدند مطبوعات ابزار حکومت و دولت‌اند و از این رو باید سیاست‌ها و برنامه‌ها و منویات آنها را به اطلاع مردم برسانند. برخی دیگر نقش و کارکرد فراتری برای مطبوعات قائلند و علاوه بر تعدد مدافع تکثر آنها نیز هستند. از نظر این عده مطبوعات ابزار و دستگاه ایدئولوژیک دولت نیستند بلکه با استقلال خود و اطلاع‌رسانی صحیح و به موقع و همچنین نقد عملکرد حکومت و دولتمردان می‌توانند به معنای واقعی به بقا و حفظ حکومت کمک کنند. چالش‌ها و نابسامانی‌های چندسال گذشته در حوزه مطبوعات حاکی از آن است که مقامات عالی‌ه کشورمان به توافقی درباره جایگاه و موقعیت مطبوعات نرسیده‌اند. این چالش‌ها و نابسامانی‌ها که معلول اختلاف نظر مقامات و نخبگان است عملاً سبب شده است مطبوعات با سرعت خوبی به سمت استقلال اقتصادی و حرفه‌ای پیش نروند. با تعطیلی نشریات پرتیراژ طی سال‌های گذشته بنگاه‌های مطبوعاتی هم از لحاظ اقتصادی و هم از لحاظ حرفه‌ای ضررهای هنگفتی دیده‌اند.

۲. شاید بتوان یکی از مهم‌ترین مسائل مطبوعات کشورمان را در راه رسیدن به تکثر و استقلال، نظام اعطای امتیاز انتشار نشریات دانست. اکنون دنیا به این نتیجه رسیده است شیوه اعطای امتیاز انتشار نشریه حتی برای کنترل نشریات جوابگو نیست. از این رو در شرایط کنونی تنها یکی دو کشور (علاوه بر ایران) مطابق این نظام عمل می‌کنند.

نظام اعطای امتیاز فی‌السنه فساد زاست. این شیوه سبب می‌شود افراد بسیار زیادی که سررشته‌ای از مطبوعات ندارند بخاطر کمک‌های دولتی و رانت‌های بعد از انتشار نشریه برای دریافت امتیاز هجوم بیاورند. همچنین نظام اعطای امتیاز چون مبتنی بر گزینش و استعلام‌های متعددی است خودبه‌خود افراد سیاسی پیش‌تر و راحت‌تر از افراد حرفه‌ای و اقتصادی می‌توانند مجوز انتشار نشریه بگیرند. این امر سبب می‌شود افراد سیاسی و افراد رانت‌جو بیش از حرفه‌ای‌ها به دنبال انتشار نشریه باشند و فضای مطبوعات در مجموع به سمت حرفه‌ای پیش نرود.

۳. تعدد نشریات دولتی (و عمومی) و گسترش آنها را می‌توان دیگر مسأله اساسی مطبوعات کشورمان در راه رسیدن به تکثر و استقلال به‌شمار آورد. نشریات دولتی و عمومی به دلیل برخورداری از بودجه‌های دولتی و عمومی رقیب بلامنازع نشریات مستقل و غیردولتی هستند. نشریات مستقل که عموماً با قیمت‌های بالاتر از نشریات دولتی یا وابسته به دولت منتشر می‌شوند، بجز تعدادی اندک عموماً در مضیقه و حالت نزار قرار داشته و نشریات دولتی عملاً فرصت بالندگی را از آنها گرفته است. این در حالی است که نشریات مستقل به دلیل استقلال از دولت با آزادی عمل بیشتری می‌توانند جامعه را از دستیابی به قلمرو گسترده‌تری از اطلاعات برخوردار سازند. امروزه این موضوع بدهی تلقی می‌شود که در نبود یا ضعف نشریات مستقل از دولت، گردش آزاد اطلاعات و نقد عملکرد و برنامه‌های دولت مردان با آسیب جدی مواجه شده و جامعه از بالندگی و توسعه همه‌جانبه محروم می‌شود.

مسائل و مشکلات مطبوعات کشورمان را در راه رسیدن به تکثر و استقلال می‌توان به‌راحتی کنار هم قطار کرد و نکاتی را درباره آنها برشمرد، اما پرسش اساسی این است که: الف) آیا مقامات و نخبگان کشور نمی‌توانند درباره جایگاه و موقعیت مطبوعات به توافقی حداقلی برسند؟ ب) آیا شیوه اعطای امتیاز باید همچنان تداوم یابد؟ ج) آیا ضرورتی برای انتشار این همه نشریات دولتی و وابسته به دولت وجود دارد؟

مطبوعات کشور برای روزی که سیاست‌های مذکور به نفع آنها تجدیدنظر شود لحظه‌شماری می‌کنند.



یزدان پور: بعد از مصاحبه‌هایی که با موضوع «ایران و جامعه اطلاعاتی» با خانم لانگ ورث و آقای دکتر محمدی داشتیم، این بار تصمیم گرفتیم به جای مصاحبه، تعدادی از فعالان این عرصه را در «مرکز پژوهش‌های ارتباطات»، مرکزی که برنامه‌هایش بر این موضوع متمرکز است، گردآوریم و از آنها بخواهیم که پیرامون ایران، جامعه اطلاعاتی و نشست آتی سران دربارهٔ جامعهٔ اطلاعاتی که در سال ۲۰۰۵ در تونس برگزار خواهد شد، به بحث و گفت‌وگو بنشینند. به همین دلیل، خوب است بدون مقدمه و بعد از شنیدن گزارش جناب آقای دکتر معتمدنژاد، دکتر تایش، طرح‌ها و برنامه‌های آتی ایران را برای حضور فعال‌تر در اجلاس ۲۰۰۵ تونس مرور کنیم.

■ دکتر معتمدنژاد: تجربه شرکت در اجلاس جهانی سران درباره جامعه اطلاعاتی در ژنو، اگرچه تجربهٔ خیلی موفقی نبود، اما نقطهٔ عطف و تجربهٔ خوبی بود که می‌توان از آن برای آینده استفاده کرد.

ارتباطات یکی دیگر از تکنولوژی‌های پایه را شکل می‌دهد که در کار تحول عرصه‌های اقتصاد و فرهنگ است. در واقع، با آن که مفهوم «جامعه اطلاعاتی» جنبه‌های مختلفی را در برمی‌گیرد، می‌توان آن را به معنای استفاده هر چه بیشتر و بهتر از ابزارهای اطلاعاتی در جامعه دانست. به هر ترتیب، این اجلاس هم که به ابتکار نهادهای بین‌المللی جهانی شکل گرفته بود، توانست با ترغیب کشورها برای ورود به این عرصه و توجه به آن، نقش خود را نشان دهد. بیانیهٔ اصول و برنامهٔ اقدام، می‌تواند راهگشایی برای آینده باشد و همه می‌توانند با مراجعه به آن معیارها و شاخص‌های کاری خاص خود را بشناسند و مسیر حرکت خود را در آینده تعیین کنند.

دکتر معتمدنژاد: تجربه شرکت در اجلاس جهانی سران دربارهٔ جامعه اطلاعاتی در ژنو، اگرچه تجربهٔ خیلی موفقی نبود اما نقطهٔ عطف و تجربهٔ خوبی بود که می‌توان از آن برای آینده استفاده کرد. خوشبختانه همکاران در

دربارهٔ نقش ما و بقیه سازمان‌های غیردولتی که امکان حضور و فعالیت داشتند، نشست ژنو امکان جمع شدن فعالان جهانی این عرصه را در سه دستهٔ عمدهٔ دولت‌ها، بخش خصوصی و نهادهای غیردولتی فراهم کرد. نهادهای غیردولتی نهادهایی خاکستری هستند که در بین نهاد دولت و بخش خصوصی قرار گرفته‌اند و از این رو نقش خاص خود را دارند، نقشی که نه کاملاً خصوصی است و نه کاملاً عمومی. در جریان این نشست آشکار شد که در راه توسعهٔ فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی همکاری و تعامل میان این سه بخش از جامعهٔ مدنی، از جایگاهی اصولی برخوردار است. در جریان این اجلاس ما باورهای قبلی خود مبنی بر لزوم برنامه‌ریزی و برنامه داشتن برای ترویج فناوری‌های ارتباطات و اطلاعات را محک زدیم و به آنها ایمان آوردیم. در این راه، نهادهای غیردولتی امکان بیشتری برای ایفای نقش دارند. به این باور رسیده‌ایم که نهادهایی مثل انجمن‌های معلمان و انجمن‌های حرفه‌ای، که فارغ از دیوان‌سالاری‌های سنتی هستند، می‌توانند نقش خوبی ایفا کنند. حتی اگر یکی از این انجمن‌ها با مشکلی مواجه شد و وقفه‌ای در کار آن پدید آمد، قطعاً خللی در کار دیگر نهادها وارد نمی‌شود و کار پیش می‌رود. این ساختار برخلاف ساختارهای از بالا به پایین، اگر با نقصانی در یک مؤلفه مواجه شد، کل برنامه و کار متوقف نمی‌شود.

دانشگاه‌های مختلف حضور دارند و این کار را دنبال می‌کنند. به منظور آمادگی برای دور دوم این امر مهم بین‌المللی، توان فکری و فرصت خوبی در اختیار داریم. باید مسئولان مملکتی را هم بیش از پیش متقاعد سازیم. اگر در آن دوره تنها بودیم، و اگر کمتر اثر گذاشتیم، حالا که گرد آمده‌ایم و جمعی را شکل داده‌ایم، اثر بیشتری خواهیم گذاشت.

جناب آقای دکتر تایش، به عنوان مسئول یکی از محدود سازمان‌های غیردولتی ایرانی که در این اجلاس حضور داشتید، می‌خواستیم گزارش و تحلیل خاص شما را از جریان اجلاس ژنو بشنویم.

نهادهای مدنی که می‌توانند در زمینه‌های فنی و علمی فعالیت کنند، نیز از اهمیت قابل ملاحظه‌ای برخوردارند. همه می‌دانیم که از مدت‌ها قبل از این اجلاس و در جریان مذاکرات مقدماتی پیش از

فکر می‌کنم همه این امر را پذیرفته‌اند که تحولی بزرگ در دنیا رخ داده است و تکنولوژی‌های پایهٔ جدیدی ایجاد شده که ما را در عصر توسعهٔ جدیدی قرار داده است. اگر نگاهی به تاریخ بیندازید، می‌بینید که دستاوردهای تکنولوژیکی، امری پایه‌ای بوده‌اند که در همهٔ مظاهر زندگی نوین تحول ایجاد کرده‌اند. برای مثال در قرن‌های اخیر، ماشین چاپ، ماشین بخار، ماشین‌های الکتریکی از جمله تکنولوژی‌های پایه بوده‌اند که همه چیز را تحت تأثیر قرار داده‌اند. تردیدی باقی نمانده است و همه به این باور رسیده‌اند که تکنولوژی‌های جدید اطلاعات و



■ دکتر تابش: تحقق تکثر فرهنگی به عنوان یک اصل در جامعه اطلاعاتی، مستلزم این است که در نهادهایی که از جمله ابزارهای فرهنگ سازی به حساب می آیند، حضور داشته باشیم تا بتوانیم مواردی از قبیل خط و زبان و ویژگی های خاص فرهنگی خود را مطرح کنیم.

غیردولتی هستند که در جهان امروز شکل گرفته اند. باید بتوانیم در عرصه هایی مثل نرم افزارهای متن باز (Open Source) فعال شویم که بازارهای آینده را به خود اختصاص خواهند داد. شرکتها دیگر ابزارهای پایه نرم افزارها را در اختیار نخواهند داشت و همین انجمن ها و نهادهای مدنی حول فعالیت های خاص شکل می گیرند و همه بخش ها را هدایت خواهند کرد. ابزارهای پایه بیشتر در انجمن های مدنی تولید خواهد شد و شرکتها فقط به خدمات رسانی خواهند پرداخت.

بنابراین، اگر بخواهیم در این جامعه اطلاعاتی، حضوری فعال و واقعی داشته باشیم، باید این نکته را دریابیم که نهادهای مدنی، چه در جنبه فرهنگ سازی و چه در جنبه فنی و تکنیکی و چه در مورد برنامه های توسعه ملی، نقشی اساسی دارند.

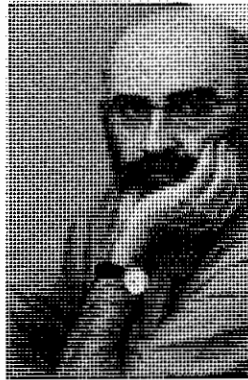
اگر بخواهیم این بحثها را به زبان ریاضی ساده کنیم، مسأله ای که در انتها در برابر ما قرار دارد، انتخاب میان دو الگوی متمرکز و دولتی و متکثر و مدنی است. البته این دو الگو می تواند به صورت مکمل و در یک محور به کار آید. حال،

چگونه می توانیم نهادهای مدنی قوی داشته باشیم و چگونه می توانیم احساس مسئولیت آنها را بیش از پیش برانگیزیم. در شرایطی که بر سر می بریم که نهادهای مدنی صوری زیادی هم شکل گرفته است که فقط کار رسانه ای می کنند. در همین اجلاس ژنو هم شاهد حضور پررنگ نهادهای مدنی بودیم تا آنجا که می توان گفت حاشیه این اجلاس از متن آن برجسته تر شد.

دکتر تابش: ببینید ما منکر اهمیت نقش دولت و بخش خصوصی نیستیم. همان طور که اشاره کردید همه اینها مکمل یکدیگر هستند. البته فعالیت هایی وجود دارد که در قالب نهادهای مدنی معنا می یابد. دولت در جای خود نقش خاص خود را دارد و بخش خصوصی هم با بازاری که به راه می اندازد، نقش خاص خود را دارد. نهادهای مدنی مکمل هر دو بخش دولتی و خصوصی است و در اینجا بیشتر به عنوان مکمل آنها مطرح می شوند. می خواهیم بگویم نهادهای مدنی هم در کنار بخش دولتی و خصوصی باید جایگاه واقعی و وظایف واقعی خویش را پیدا کنند تا، از این طریق بتوان به سوی تحقق جامعه اطلاعاتی

اجلاس و در خود اجلاس، بحث مفصلی پیرامون مدیریت و حاکمیت اینترنت به وجود آمده بود. گروهی خواستار تبدیل آن به نظامی دولتی بودند، گروهی خواستار حاکمیت مرکزی مثل اتحادیه جهانی مخابرات بودند و عده ای آزادی کامل آن را خواستار بودند. بحث های زیادی در جریان بود و هنوز هم ادامه دارد. به هر حال، واقعیت این است که در به وجود آمدن ابزارهای اطلاعاتی و رشد آنها، نهادهای غیردولتی نقشی اساسی دارند، چرا که نهادهای غیردولتی برای انجام این کار از توان کافی برخوردارند. مانند «جامعه اینترنت» (Internet Society) محلی که گروه های زیادی در آن به بحث پیرامون پروتکل های فنی اینترنت می پردازند. اصلاً مهم نیست که این نهادها دولتی اند یا غیردولتی، یا تحت پوشش سازمان ملل قرار دارند یا نه. این انجمن ها که بیشتر در کشورهایی که پیشگام بوده اند شکل گرفته اند ولی در آن گروه کاری بحث کجایی بودن مطرح نیست. حضور در چنین جمع هایی که به بحث های فنی می پردازند، ضرورت بسیار دارد. در اینترنت فضایی شکل گرفته است که مسئول و متولی مشخصی ندارد اما مسئولیت

همه را برانگیخته است. ساختارهای جدیدی ایجاد شده است و باید در همه این عرصه ها حضور داشت تا بتوان علاوه بر نظارت، مدیریت کرد. همان طور که می دانیم ساختارهای دیوان سالار و سنتی حاکم بر سازمان ملل و نهادهای وابسته به آن، نمی تواند پاسخگوی این قضیه باشد. می خواهیم بگویم، حضور نهادهای غیردولتی از یک جنبه برای فرهنگ سازی و عمومی کردن فرهنگ فناوری های ارتباطی و اطلاعاتی کارآمد است و از جنبه ای دیگر، نهادهایی که کار علمی و فنی می کنند، هم می توانند مؤثر باشند. برای مثال در همین گروه های کاری کارهایی بسیاری برای انجام دادن هست. می توان با تربیت نیروی فنی خوب راه را به نسل آینده نشان داد. مواردی هم بوده است که توانسته ایم توانایی خود را به خوبی نشان دهیم و حرف های خود را بزنیم. برای مثال تحقق تکثر فرهنگی به عنوان یک اصل در جامعه اطلاعاتی، مستلزم این است که در نهادهایی که از جمله ابزارهای فرهنگ سازی به حساب می آیند حضور داشته باشیم تا بتوانیم مواردی از قبیل خط و زبان خود و ویژگی های خاص فرهنگی خود را مطرح کنیم. همه اینها، ساختارهای



حرکت کرد.

دکتر شکرخواه: شاید بتوانم در ادامهٔ صحبت‌های آقای دکتر تابش بیفزایم که این موضوع به حیطة نهادهای مدنی محدود نمی‌شود و نهادهایی دیگری هم درگیر این مسأله هستند. برای آن‌که بهتر بفهمیم که در چنین برنامه‌ای، چه نهادها و کسانی می‌توانند دخالت داشته باشند، شاید بازنديشی و واکاوی خود مفهوم «جامعهٔ اطلاعاتی» لازم باشد. جامعهٔ اطلاعاتی را باید کاوید تا دریافت که این مفهوم با چه سازه‌ها و مفاهیم جانبی شکل گرفته است. واقعیت این است که در راه شکل‌گیری جامعهٔ اطلاعاتی، بخش‌های مدنی مشارکت قابل توجهی دارند. همان‌طور که شما اشاره کردید در اجلاس ژنو بیش از سه هزار نمایندهٔ جامعهٔ مدنی حضور داشتند. به عبارتی دیگر، در مقیاس کلی مشارکت، حرف اول از آن نهادهای مدنی بود و از سوی دیگر، نمایندگان سازمان ملل و نظام کارشناسان، از نظر کمی ضعیف‌تر بودند. ولی من فکر می‌کنم به همان میزانی که آنها می‌توانند نقش داشته باشند، نهادهای آموزشی هم می‌توانند نقش داشته باشند و البته نمی‌توان از

نقش نهادهای رسانه‌ای غافل بود. بنابراین، برای رسیدن به چنین اهدافی، اگر ایستگاه اول را تونس ۲۰۰۵ فرض کنیم، فکر می‌کنم نهادهای مدنی، نهادهای آموزشی و نهادهای رسانه‌ای، ابتدا باید ادبیات خاص جامعهٔ اطلاعاتی را در دستور کار خود قرار دهند. یعنی مفهوم را از مفهومی غیرملموس و ذهنی خارج کنند. این سه نهاد باید با اشتراک و همکاری، اصطلاحات خاص جامعهٔ اطلاعاتی را تعریف و مفاهیم خاص آن را تبیین کنند. به عنوان مثال، همین نرم‌افزارهای متن باز که مورد اشاره آقای دکتر تابش بودند، چقدر در ذهن مسئولان، کارشناسان و روشنفکران ما مطرح است؟ این درحالی است که در کنار نرم‌افزارهای متن باز، نرم‌افزارهای رایگان و نرم‌افزارهای وابسته به مالک هم داریم که هر دو موضوع‌هایی جدی هستند. در کنفرانس ژنو، تقسیم‌بندی سه‌گانه‌ای در خصوص نرم‌افزارها پدید آمده بود یک طیف از جنوبی‌ها و افریقایی‌ها طرفدار نرم‌افزارهای رایگان بودند، عده‌ای طرفدار نرم‌افزارهای با متن باز بودند و جریان سومی هم بود که صرفاً نمی‌خواست از سرویس‌دهی سازمانی سود ببرد بلکه از فروش

نرم‌افزارهای ثبت شده و کپی‌رایت‌دار خود هم می‌خواهد استفاده کند. به نظر من، بعد از واکاوی و معرفی مفاهیم، نکتهٔ دومی هست و آن معرفی اسناد جامعهٔ اطلاعاتی است. یعنی جامعهٔ ما، اعم از مسئولان، کارشناسان، و کاربران بدانند که چه تعهداتی در اسناد بین‌المللی داریم آن چیزی که در ژنو مشاهده کردیم، ریشه‌هایی در بونیس‌آیرس داشت برای مثال، بسیاری از توافق‌نامه‌ها را پیش از این امضا کرده‌ایم و نسبت به آنها تعهد داریم و نمی‌توانیم آنها را نقد کنیم. بنابراین، باید روی اسناد بین‌المللی و از جمله همین دو سند نهایی، اعلامیه اصول و طرح اقدام، و سندهای دیگر مثل سند اوکیناوا و سند شورای اجتماعی و اقتصادی سازمان ملل متحد کارهای بسیاری صورت گیرد. همهٔ این اسناد قابل مطالعه‌اند، برخی با هم همپوشی دارند و برخی با هم تعارض دارند. همچنین نشست‌های میان منطقه‌ای که به اجلاس ژنو انجامید هم اسناد مهمی را تولید کرده‌اند. در این اسناد، بحث‌های خیلی جدی در خصوص تنوع فرهنگی، تکثر رسانه‌ای، تولید محتوا، زبان و بسیاری از دغدغه‌های دیگر وجود دارد.

نکته سوم، این واقعیت است که در جهان امروز به سازمان‌های دینامیک‌تر و هسته‌ای نیاز داریم؛ سازمان‌هایی که قدرت واکنش و انعطاف بالایی داشته باشند. باید این بحث را تعقیب کنیم و ببایم که چگونه می‌توان به وضعیتی ایده‌آل رسید شاید یکی از راه‌ها، اتکا به همین سازمان‌ها و تشکیلات مدنی باشد. البته راه حل‌های دیگری هم می‌تواند وجود داشته باشد. توجه دارید که شرکت‌های ذات‌کام زمانی در دنیای سرمایه‌داری شکل گرفتند که هیچکس فکر نمی‌کرد که چنین پتانسیلی در خود داشته باشند حالا به چه سازمان‌هایی نیاز داریم؟

نکته دیگری که به نظر من کلیدی است، باید ضعف‌ها و قوت‌های ملی خود را بشناسیم و بیان کنیم تا معلوم شود که در چه عرصه‌ای مشکل داریم. در این صورت، راه‌حل هم پیدا می‌شود. نباید فکر کنیم همه چیز از بالا به پایین است. به نظر من فکر و راه حل باردهٔ سازمانی در ارتباط نیست. اگر بتوانیم ضعف و قوت‌های ملی را با صراحت بیان کنیم، می‌توانیم راه‌حل‌های زیادی را بیابیم.

و بالاخره، مرحلهٔ بعدی تلاش همزمانی برای گمانه‌زنی و ترسیم



■ **ابراهیم آبادی: همه کسانی که
دغدغه بحث ارتباطات، جامعه
اطلاعاتی و حضور فعال در جامعه
اطلاعاتی جهانی دارند را باید در
یک کانون دور هم جمع کرد و
حاصل تفکر آنان را در خدمت
تصمیم‌سازی ملی قرار داد.**

نمی‌توان با نگاهی ابزاری پیش رفت. خوب، حالا در ادامه همین نگاه فرآیندی و بسترسازی، می‌خواهیم نظر آقای خلیلی را در خصوص بسترهای ساختاری و فرهنگی موجود و امکان شکل‌گیری و تقویت بسترهای جدید، از منظری جامعه‌شناختی بشنویم.

خلیلی: در علوم اجتماعی میان مفاهیم «کنش» و «ارتباط» پیوستگی خاصی ایجاد شده است. هر عمل (کنش) اجتماعی مساوی است با برقراری یک ارتباط اجتماعی. به همین دلیل، مفهوم ارتباط با کل جنبه‌های هستی‌شناختی انسان رابطه دارد. پرسشی که به آن اشاره کردید، از جمله پرسش‌های دشوار فلسفی است: آیا صورت‌بندی‌های سنتی از ارتباط را می‌توان در شرایط متفاوت به کار برد؟ آیا «ارتباط» در مفهوم جدید کلمه، همان چیزی است که ما در سنت به کار می‌بردیم. و اگر متفاوت است، آیا می‌توان صورت‌های قدیمی را بازآفرینی کرد؟ آیا مفهومی از ارتباط که در فضاهای بین‌المللی و در کنش‌های میان فرهنگی انتظار داریم، ادامه همان چیزی است که در جوامع مختلف وجود داشته است؟ بنابراین، از یک منظر این پرسش

بسیار بنیادی و فلسفی است. در برخی از زمینه‌ها، ما پاسخ منفی شنیده‌ایم، یعنی ساختارهای سنتی قابل بازتولید در عرصه‌های جدیدی همچون اینترنت نیستند و مفهوم ارتباط از ریشه دگرگون شده است. در این صورت، باید با مفاهیم پیشین خداحافظی کنیم و برنامه‌هایمان را با توجه به مفاهیم جدید پی‌ریزی کنیم. برداشت دیگر این است که این موضوع در اصل خود قابلیتی برای طرح ندارد و چیزی نیست که بتوان برای آن تصمیم گرفت و برنامه‌ریزی کرد. چیزی که اتفاق می‌افتد خارج از اراده ماست و ما مجبوریم از آن پیروی کنیم. فقط می‌توانیم میان نیازهای خود و اتفاقاتی که پیرامون ما می‌افتد، ارتباط‌هایی برقرار کنیم. اشاره کردید که بسیاری از نهادهای ما گاه صوری و گاه منفعل هستند و چگونه می‌توان آنها را به حضور فعال و مشارکت فعال دعوت کرد. یک معنای تلویحی این سخن شما آن است که اگر در جایی خواسته‌ایم برنامه‌ریزی کنیم و نهادهایی را ایجاد کنیم، نهادهای ایجاد شده دیگر نهاد نیستند و مسأله محتوایی داشته‌اند و در واقعیت اجتماعی کسی به کمک ما نیامده است. به نظر می‌رسد توجه به این نکته

تصویری ملموس از جریان‌ات بین‌المللی است. به نظر من وقتی در ژنو اجلاسی برگزار می‌شود یک رشته مفاهیم حاکم می‌شوند و وقتی این اجلاس در تونس شکل می‌گیرد، ممکن است فضاهای دیگری غلبه یابد و رشد کند. این جریان را باید شناخت نوع رفتار ما در ژنو با نوع رفتار ما در تونس با توجه به فضای متفاوت برای مانور، متفاوت است. ممکن است در تونس قوت‌هایی داشته باشیم که در ژنو نداشته باشیم و عکس این قضیه هم می‌تواند وجود داشته باشد.

به نظر می‌رسد بخشی از این تفاوت‌ها در حال ظاهر شدن باشد، از جمله می‌توان به راه‌اندازی پایگاه اطلاع‌رسانی اجلاس تونس ۲۰۰۵ اشاره کرد که به تازگی راه‌اندازی شده است. جالب اینجاست که هنوز بخش انگلیسی این سایت راه‌اندازی نشده است و اطلاعات به دو زبان عربی و فرانسه ارائه شده‌اند. به هر حال با توجه به همین تفاوت‌ها و تفاوت‌های احتمالی دیگر که برخی از آنها قابل پیش‌بینی هستند، حضور آتی ایران در این اجلاس را چگونه می‌بینید؟

دکتر شکرخواه: فکر نمی‌کنم این موضوع

مقطعی باشد. وقتی می‌گویم که نقاط ضعف و قوت خود را باید شناسایی کنیم، یکی از پاشنه‌های آشیل ما همین است که فکر می‌کنیم مسائل، مقطعی است. یعنی اگر ما به ژنو برویم مسأله حل می‌شود یا اگر بتوانیم به تونس برویم دیگر مشکلی نداریم. فکر می‌کنم بسترسازی‌های ما باید بیشتر «فرآیندی» باشد. اگر مسأله هویت داریم، و اگر مسأله تولید محتوا داریم و این مسأله در ایستگاهی به نام ژنو یا ایستگاهی به نام تونس یا ایستگاه‌های بعدی حل نمی‌شود. این موضوع فرآیندی و بلندمدت است و نیاز به زمینه‌سازی دارد. برای مثال اگر بتوانیم بندی را در قطعنامه‌ای بگنجانیم همه چیز حل نمی‌شود. فکر می‌کنم مسائلی از قبیل هویت، تولید محتوا در اینترنت، زبان و غیره، مسائل اساسی و پایه‌ای هستند. اگر نمی‌توانیم ماهواره‌ای به فضا بفرستیم، می‌توانیم در این اجلاس‌های جهانی، جایی برای خود رزرو کنیم، اما نمی‌توانیم دیگران را از پیشرفت باز داریم. آنها هم برای طراحی ماهواره مراحل را پشت سر گذاشته‌اند. اگر کار فرآیندی کرده باشیم، در اجلاس‌های جهانی آشکارتر خواهد شد و این کار به هیچ‌وجه مقطعی نیست.



ضروری است که در تحولات نسل‌های جدید، خود مفهوم «نهاد» هم دستخوش تحولاتی شده است و نهادهای متفاوتی در حال شکل‌گیری‌اند. به عنوان مثال حتی اگر نهاد سنتی هیأت‌هایی مذهبی را هم در نظر بگیرید، متوجه می‌شوید که این نهاد اجتماعی هم دستخوش تغییر شده است. هیأتی که امروزه این جوانان برپا می‌کنند با هیأت‌هایی که در نسل قبل وجود داشت تا حد زیادی متفاوت است. ساختارها و کارکردهای متفاوتی در این هیأت‌ها وجود دارد که در هیأت‌های قبلی وجود نداشت.

ابراهیم‌آبادی: یک بخش از مسأله ما این است که باید به سمت اجتماعی کردن فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات حرکت کنیم. این مسأله در کشوری مثل ایران اهمیت اساسی دارد. در کشورهای پیشرفته صنعتی، تکنولوژی، محصول نیازهای اجتماعی است، اما ما نیاز داریم که فناوری را اجتماعی کنیم. بنابراین یکی از اولویت‌های ما می‌تواند این باشد که چگونه می‌توانیم اهمیت و استفاده از تکنولوژی‌های اطلاعاتی را در فرآیندهای شناختی و یا رفتاری خود بگنجانیم. یا دست‌کم این که در سطح مدیریتی و علمی این قضیه را جدی بگیریم.

یکی از مشکلاتی که در سطح جامعه داریم این است که نگرش‌ها و رفتارهای ما نسبت به مجامع و رخدادهای جهانی بسیار غیرحرفه‌ای و منفعل است. دیدگاه ما نسبت به رخدادهای بین‌المللی خیلی نتیجه‌ای و مقطعی است. انتظار داریم که با آماده کردن یک بسته محتوایی ساده و حضور در ژنو یا تونس می‌توانیم به نتیجه‌ای برسیم. در صورتی که تفاوت میان قرن بیستم و قرن بیست‌ویکم این است که در شرایط جدید بر فرآیندها خیلی بیشتر تأکید می‌شود. نگرش، احساس، رفتار، شناخت ذهنی و همه فرآیندهایی که در درون انسان رخ می‌دهد، خیلی مهم‌تر از رخدادهای بیرونی است. وقتی در درون نسبت به پدیده‌های جهانی منفعل هستیم، خیلی صدمه می‌بینیم.

به هر حال، شاخص‌های جهانی هم تغییرات عمده‌ای را پشت سر گذاشته‌اند. برای مثال وقتی درباره رفاه صحبت می‌شد، بحث از سطح درآمد و تحصيلات بود، حال آن که امروز مسأله کیفیت زندگی هم دارد مطرح می‌شود. در این بافت است که دسترسی به اطلاعات و اینترنت

معنا می‌یابد. وقتی که به عمق قضیه نگاه می‌کنیم متوجه می‌شویم که جنس انتقادهای مطرح پیرامون نقش ایران در جامعه اطلاعاتی، برخی از علت‌های خود را در همین زمینه‌ها و بافت‌ها و مشکلات درونی می‌یابد.

با وجود همه این مسائل، به نظر می‌رسد می‌توان با رعایت چند اصل اساسی و مهم برخی از مشکلات را رفع کرد. اولین اصل این است که ما مهارت‌های اولیه زندگی در جامعه اطلاعاتی را باید کسب کنیم. در این راه، اولین گام رده‌بندی کردن، دسته‌بندی کردن و وارد کردن اطلاعات به ماشین است. نمی‌توان از جامعه اطلاعاتی و حضور و مشارکت در آن سخن گفت و نتوانست اطلاعات را وارد ماشین کرد. ناهمخوانی میان دیدگاه‌ها و رفتارها در مورد پدیده‌ای به نام اینترنت هم البته از مسائل اساسی ماست. هم در سطح نگرشی دچار مشکلاتی هستیم و هم در سطح مهارتی و رفتاری. بنابراین، بحثی که پیرامون اجتماعی کردن فناوری مطرح کردم اینجا معنا و کاربرد می‌یابد. آماده‌سازی جامعه ایرانی، به خصوص جامعه علمی و فرهنگی برای ورود و مشارکت فعال در جامعه اطلاعاتی را باید

■ دکتر نematollahi: با توجه به شأن جامعه اطلاعاتی یعنی همه شمولی، مردم‌گرایی و توسعه‌خواهی؛ جامعه ما جامعه اطلاعاتی نیست. نه شأن اطلاعات نهادینه شده است نه اطلاعات در خدمت همگان است و نه به کار توسعه می‌آید.

جدی بگیریم.

جوامعی که نهادهای مدنی قوی دارند. همان نهادهای ناب مدنی که مورد اشاره آقای یزدان‌پور هم بود. نهاد آموزش قوی هم دارند و در اصل نهاد آموزش شکلی از نهاد مدنی است و نمی‌توان آن را از نهادهای مدنی تفکیک کرد. در این جوامع، نهاد آموزش با لایه‌های مختلف اجتماعی ارتباط دارد و از این رو مدنی است و البته با برنامه‌ها و موادی که از دولت می‌گیرد، نهادی دولتی است. بنابراین، نهاد آموزش در هر دو سطح مدرسه و دانشگاه را باید در این جریان جدی گرفت.

نکته دوم، شکل دادن یک کانون تفکر در حوزه ارتباطات به ویژه با گرایش میان رشته‌ای است. همه کسانی که دغدغه بحث ارتباطات، جامعه اطلاعاتی، حضور فعال در جامعه اطلاعاتی جهانی دارند را باید در یک کانون دور هم جمع کرد و حاصل تفکر آنان را در خدمت نظام تصمیم‌سازی ملی قرار داد تا بتوان براساس دیدگاه نظری و عملی قابل اتکا، بحث جامعه اطلاعاتی و نسبت میان ایران و جامعه اطلاعاتی را تقویت کرد و گسترش بخشید. نیاز شدیدی به ایجاد این نهاد واسط

داریم. باید انجمن‌ها و سازمان‌های غیردولتی کشور را با توجه به همه دغدغه‌ها و حرف‌های آنها سازمان‌دهی کنیم تا بتوانیم نهاد حرفه‌ای و قدرتمندی داشته باشیم. اگر چنین نهاد غیردولتی قدرتمندی نداشته باشیم نمی‌توانیم نمایندگان خوبی در اجلاس‌های آتی داشته باشیم. این نهاد می‌تواند متشکل از عده‌ای صاحب‌نظر و کارشناس و نمایندگان سازمان‌های غیردولتی درگیر با مسأله و مراکز تحقیقاتی و ترویجی باشد.

خلاصه کلام این‌که باید بتوانیم در مطالعات و برنامه‌ریزی‌های خود، نگاهی حرفه‌ای‌تر، چندوجهی و کارشناسانه داشته باشیم. اگر بتوانیم با تکیه بر این نهاد واسط میان حوزه مطالعات کارشناسی خود و نظام تصمیم‌سازی ارتباطی برقرار کنیم، می‌توانیم بسیاری از مشکلات را مرتفع سازیم. این مسأله را هم باید افزود که در همه بحث‌ها سطح نهادی یا سطح اجتماعی را باید از سطح فردی تفکیک کرد.

دکتر نمک‌دوست: به نظر می‌رسد بحثی را که آقای دکتر تابش مطرح کردند، در برگیرنده خیلی از نکات اصلی بحث باشد. ایشان از جمله به این موضوع اشاره کردند که فناوری را همیشه باید در بسترهای اجتماعی آن درک کرد و میان ابزارهای فنی و شرایط اجتماعی تعاملی جدی وجود دارد. در خصوص مسأله ارتباطات جمعی باید به این مسأله توجه بیشتر داشت. در تاریخ مطالعه وسایل ارتباط جمعی همیشه گفته می‌شود که بایستی بسترهای اجتماعی را مورد بررسی قرار داد. به عبارت دیگر بسیار شنیده‌ایم که ابزارهای ارتباطی فرزند زمانه خودشان هستند و به محض تولد، به اثرگذاری روی بسترهای اجتماعی خودشان می‌پردازند. اما نکته اصلی آنجاست که الزاماً یک فناوری واحد در شرایط اجتماعی متفاوت ممکن است نتایج اجتماعی کاملاً متفاوتی ایجاد کند. مثال کلاسیک این اصل، همان ماشین بخار است که می‌گویند اختراع ماشین احتراق درون‌سوز باعث شد که خودروهای شخصی و صنایع خودروسازی به شدت گسترش پیدا کنند. اما اختراع همین پدیده در اروپا به توسعه سیستم حمل‌ونقل عمومی انجامید. یا اختراع باروت در آمریکا منجر به جنگ‌های استقلال شد و در چین باعث تقویت مضاعف شد. بنابراین فناوری در شرایط متفاوت نتایج یکسانی نمی‌دهد.

به هر حال، به نظر می‌رسد قهرمان موضوع جامعه اطلاعاتی، فناوری نیست، بلکه خود اطلاعات است و اگر بخواهیم رویکرد مناسبی بیابیم باید تکلیف خود را با مقوله اطلاعات، در سطح تولید، پردازش و مصرف روشن کنیم. باید مشخص شود که آن جامعه می‌خواهد چه جایگاهی به اطلاعات اختصاص دهد، حالا اگر خود اطلاعات را در کنار این سه صفت

قرار دهیم، می‌بینیم که جامعه اطلاعاتی دارای شانی است و سه بخش این شأن عبارت است از: همه شمولی، مردم‌گرایی و توسعه‌خواهی.

در صورتی که از این زاویه به مسأله نگاه کنیم، می‌توانیم اعلام کنیم که جامعه ما جامعه اطلاعاتی نیست. نه شأن اطلاعات نهادینه شده است، نه اطلاعات در خدمت همگان است و نه به کار توسعه می‌آید. فقط به عنوان یک نمونه که متأسفانه شاید کمی هم سیاسی تلقی شود، اما در همین انتخابات اخیر مجلس هفتم، سهم اطلاعات چقدر است. ما نمی‌دانیم که رئیس‌جمهور به رئیس مجلس چه گفت و این دو به وزیر کشور چه گفتند. این بحث جنبه سیاسی ندارد و فقط مثالی برای روشن کردن وضعیت، جایگاه و اهمیت اطلاعات در فرهنگ ماست. در جامعه رخدادی با این اهمیت رخ می‌دهد و این همه کنش اطلاعات‌گرا همراه دارد، اما کسی به درستی نمی‌داند چه اتفاقی افتاده است!

از سوی دیگر، با توجه به شعارهای موجود در بیانیه، باید همه افراد را برای حضور در جامعه اطلاعاتی توانمند کنیم. بخش دیگر نیز این است که نهاد‌های مختلف توانمند شوند تا بتوانیم برای توانمند ساختن جامعه جهانی در جامعه اطلاعاتی حضور داشته باشیم. به نظر می‌رسد باید برای همه این زمینه‌ها برنامه مشخصی داشته باشیم. آقای دکتر شکرخواه به برنامه کوتاه‌مدت ما اشاره کردند و رئوس آن را برشمردند که همه آنها ضروری است. اما علاوه بر این، نیاز به برنامه‌ای میان مدت داریم تا بتوانیم همه افراد را در فرآیند تولید اطلاعات، پردازش اطلاعات و مصرف اطلاعات سهیم کنیم. اساساً نیاز به رویکردی ملی با مبنای افسون‌زدایی از اطلاعات داریم، اطلاعات نباید فقط در سطوح بالا جریان داشته باشد. رویکرد دیگری هم باید در خصوص شکل تعامل با جامعه اطلاعاتی جهانی داشته باشیم. آیا می‌توانیم بدون ارائه چیزی به جامعه جهانی اطلاعاتی، توقعات و مطالبات فراوانی را مطرح کنیم؟ همه این مسائل، لزوم برنامه‌ای ملی را آشکار می‌کند.

در جامعه اطلاعاتی، مهندسی نقش بسیار مهمی دارد اما واقعیت امر این است که جامعه اطلاعاتی یک جامعه مهندسی نیست. یکی از کارهایی که به نظر می‌رسد اهمیت داشته باشد این است که رویکرد مدیریت فنی و مهندسی به جامعه اطلاعاتی باید حذف شود. برای مثال، نهاد شورای عالی اطلاع‌رسانی ما، نباید فقط به مهندسان تکیه داشته باشد، بلکه باید میان‌رشته‌ای باشد. حقوق‌دانان، پزشکان، روانپزشکان، جامعه‌شناسان، ارتباط‌شناسان و صاحب‌نظران همه رشته‌های مرتبط باید در بحث‌های شورای عالی اطلاع‌رسانی مشارکت داشته باشند. □